



به بهانهٔ چکیده

من در اینجا مایلیم بپرسم آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید؟ آیا تعلیم پیامبر اسلام... و آموزه‌های انسانی و اخلاقی او را مطالعه کرده‌اید؟ آیا تاکنون به جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که همین اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزش‌هایی طی قرون متمادی، بزرگترین تمدن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟ من از شما می‌خواهم اجازه ندهید با چهره‌پردازی‌های موهن و سخیف، بین شما و واقعیت، سد عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بیطرفانه را از شما سلب کنند. امروز که ابزارهای ارتباطی، مرزهای جغرافیایی را شکسته است، اجازه ندهید شما را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند. اگر چه هیچکس به صورت فردی نمیتواند شکافهای ایجاد شده را پر کند، اما هر یک از شما میتواند به قصد روشنگری خود و محیط پیرامونش، پلی از اندیشه و انصاف بر روی آن شکاف‌ها بسازد.

بخشی از نامهٔ مقام معظم رهبری خطاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی

رسالتی سرزشت آفرین (رسا)

وقتی قلب رهبر انقلاب اسلامی

برای هدایت و نجات غرب هم می‌تپد

حجت الاسلام دکتر سیداحمد رهنمایی

اشاره

تاریخ جهان معاصر و انقلاب اسلامی ایران گواه دو نامهٔ مهم و سرزشت ساز می‌باشد که از دو ناحیه خطاب به دو جریان و دو گروه متفاوت و در دو شرایط ناهمگون و البته با یک هدف متعالی و متوازن در راستای روشنگری و شبیه‌زدایی صادر گردید. نامهٔ نخست را امام راحل (قدس سره الشریف) در جریان جنگ سرد مابین دو ابر قدرت غربی و شرقی و در آستانهٔ از هم پاشیدگی ارکان کمونیسم خطاب به رئیس جمهور وقت اتحاد جماهیر شوروی ارسال فرمود. در آن نامهٔ روشنگرانه هر آنچه امام پیش‌بینی فرموده بود به وقوع پیوست و دنیا بار دیگر از هوش و درایت امام در حیرت و شگفتی ماند. نامهٔ دوم را مقام معظم رهبری دام ظلّه العالی در جریان جسارت روزنامهٔ شارلی ابدو فرانسه و برخی از بنگاه‌های سخن‌پرانی غرب در اهانت به ساحت قدسی و نورانی حضرت ختمی مرتبت... به جوانان غربی صادر فرمود. نقطهٔ اشتراک هر دو نامه را باید در احساس مسئولیت و رسالت خطیر رهبران و پیشوایان الهی در راستای روشنگری، هدایت‌گری و بصیرت‌افزایی دانست. همچنان که رسالت پیامبر گرامی اسلام یک رسالت جهانی، فرا عصری و فرا قومی بود، وارثان آن بزرگوار نیز به اقتضای به ایشان رسالت خویش را فراتر از مرزهای جغرافیایی و ملی و قومی و زمان خاص دانسته و می‌یابند. از این رو، امام راحل و مقام معظم رهبری در امتداد رسالت پیامبر عظیم‌الشان اسلام به نجات و سعادت انسان در هر عصر و هر مکان می‌اندیشند و با این اندیشه و عزم راسخ اقدام به صدور و ارسال نامه به مخاطبانی در خارج مرزها و فراتر از عصرها کرده‌اند. در نوشتار پیش رو برآنیم تا با مروری بر نکات برجستهٔ نامهٔ مقام معظم رهبری خطاب به جوانان اروپا و آمریکا، ضمن تبیین فلسفهٔ ارسال و ابلاغ چنین نامه‌هایی، به

بررسی راهکارهای تشریح و تقویت پیام رسای آن بپردازیم.

نکات برجستهٔ نامه

با دقت در ساختار و محتوای نامه، چهارده نکته و شش سؤال مهم را می‌توان از نظر گذراند:

۱. با بیانی بسیار لطیف همراه با ظرافت ادبی خاص، جوانان غرب را مخاطب قرار داده است، بدون اینکه به حساسیت‌های منفی و واکنش‌های نامساعد و تعصب‌آمیز خانواده و والدین آنان بزند. متن پیام بیشتر متوجه جوانانی است که هنوز تحت اشراف و نظارت والدین خود زندگی می‌کنند، زندگی مستقلی تشکیل نداده‌اند و هنوز در حال تجربهٔ آموختن و تجربه اندوختن هستند.
۲. با مروری بر گذشته و توجه به وضعیت موجود و شرایط جاری و حاکم، بر آینده‌نگری و دوراندیشی تأکید کرده و ذهنیت جوانان را نسبت به آینده جلب می‌کند و روح امید را در جسم و جان آنان می‌دمد. جوانان معمولاً به امید آینده و فردای روشن تلاش می‌کنند و زندگی خویش را سامان می‌دهند. فرازی از نامه با توجه به این نیاز فطری جوانان رقم خورده است.
۳. نظر به اهمیت و سرعت تحول‌پذیری نسل جوان، آن هم متناسب با شرایط و اوضاع جهان غرب، آنان را مخاطب خویش قرار می‌دهد تا زمینه‌های حق‌پذیری آنان را فراهم آورد.
۴. در مورد فتنه‌ها و ترفندهای سیاسی سیاستمداران غربی، از کلی‌گویی پرهیز می‌کند و بر داوری واقع‌بینانه تکیه دارد و مستند به واقعیت‌های ملموس و محسوس داوری می‌کند؛ واقعیت‌هایی که هرگز قابل انکار و یا تردید نمی‌باشند.
۵. با یادآوری نقش رسانه‌های غربی در تخریب چهرهٔ نورانی اسلام ناب و

کریه جلوه دادن آن، نظر جوانان غربی را به این ظلم آشکار جلب می‌نماید تا با آزاداندیشی و روحیه حقیقت‌گرایی خویش چنین ظلم آشکار و مستمری را محکوم کنند.

۶. اسلام هراسی^۲ و اسلام ستیزی غرب را با استناد به واقعیت‌های جاری در جهان غرب گوشزد می‌کند. رسانه‌های غربی همواره نه تنها برنامه‌هایی را به تخریب چهره اسلام ناب اختصاص می‌دهند، بلکه فراتر از آن دائماً اسلام ناب را هراس‌انگیز و تهدیدکننده معرفی کرده، شهروندان غربی را از ناحیه اسلام ناب به هراس می‌اندازند.

۷. نشان می‌دهد که غرب تا کنون چقدر فریبکارانه و مزورانه علیه اسلام و جوامع اسلامی به اقدامات ویرانگرانه دست یازیده است.

۸. با ترغیب نسل جوان غرب به مطالعه تاریخ، نظر آنان را به سوی تاریخ جنایت‌های غرب در حق بشریت متوجه می‌کند.

۹. جوانان غرب را به بازگشت به وجدان و فطرت پاکشان تشویق می‌کند.

۱۰. از جوانان غرب می‌خواهد در اندیشه کشف حقیقت باشند و در صدد آن بپردازند.

۱۱. با حفظ شائبه جوانان غرب، توصیه‌های لازم را به آنان گوشزد می‌کند.

۱۲. از اعمال هر گونه سلیقه و ایجاد هر نوع تحکم و دستور فرمایشی پرهیز می‌کند تا جوانان غرب خود به فکر بررسی واقعیت‌ها و کشف حقیقت باشند.

۱۳. خدمات برجسته و بی‌شائبه اسلام و مسلمانان را به بشریت و به ویژه به جهان غرب یادآور می‌شود تا دست کم جوانان غرب به این جنبه از برجستگی‌های اسلام و جوامع اسلامی بیشتر توجه کنند و اسلام و مسلمانان را از این زاویه نیز بنگرند.

۱۴. بازشناسی اسلام حقیقی و ناب را به همت جوانان غرب می‌سپارد تا آنان خودشان با ورود به این صحنه به طور مستقیم با حقائق اسلامی و اسلام ناب و حقیقی آشنا شوند.

با مروری مجدد بر نکات چهارده‌گانه فوق، چندین سؤال ممکن است به ذهن خطور کند که پاسخ مناسب به هر کدام در تبیین مفاد نامه و فهم و درک واقعیت‌های جاری جهان غرب می‌تواند راهگشا و مؤثر باشد. از جمله:

۱. این نامه چرا جوانان غرب را مورد خطاب قرار داده است؟

۲. این نامه چرا بر ورود مستقیم جوانان غرب به واقعیت‌ها و کشف حقیقت تأکید می‌ورزد و چگونه آنان را از گرفتار شدن در دامن فتنه‌ها برحذر می‌دارد؟

۳. غرب تاکنون چه ترفندهایی را نسبت به محو اسلام ناب به کار بسته است؟

۴. جوانان غربی، چگونه می‌توانند با توجه به ترفندهای گوناگون غرب در سانسور شدید واقعیت‌های مربوط به اسلام و مسلمانان و جهان اسلام، به واقعیت‌ها پی ببرند؟

۵. آیا آینده‌نگری و فرجام‌شناسی غرب سرنوشت شایسته‌ای را برای آن رقم می‌زند؟

۶. در مجموع، نامه مقام معظم رهبری به جوانان غربی نویدبخش چه رویداد مهم و سرنوشت‌ساز و تعالی‌بخشی برای آینده غرب می‌باشد؟

بررسی سؤال اول: چرا خطاب به جوانان؟

اما این که چرا مقام معظم رهبری در نامه خویش جوانان را مورد خطاب قرار دادند بیشتر از این جنبه است که جوانان به دلیل ذهن روان، کنجکاو و حساس خود در دریافت حقیقت از آمادگی بیشتری برخوردارند. سن جوانی سن شکفتگی و درخشندگی است، سن تازگی و بالندگی است، سن تحرک و پویایی است. همانگونه که حضرت علی (علیه السلام) در پندنامه خود خطاب به فرزندان امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمودند:

«... وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا الْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَ يَسْتَعْلَ لُبُّكَ لَتَسْتَقْبِلَ بِجَدِّ رَأْيِكَ مِنْ الأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بَعْثَتَهُ وَ تَجَرَّبَتَهُ ...» (ابن شعبه الحرانی، ۱۴۰۴ ق.، ص ۶۸، همچنین مراجعه شود به شریف الرضی، ۱۴۱۴، نامه ۳۱، ص ۳۹۳).

همانا دل جوان مانند زمینی دست نخورده و خالی است که هر چه در آن بکارند می‌پذیرد. از این رو، پیش از آنکه دلت سخت گردد و ذهنت (به اموری دیگر) مشغول شود، به تربیت و تأدیب تو مبادرت کردم تا با تیزبینی خود نسبت به دریافت هر آنچه از اندوخته‌های تجربی تجربه دیدگان تو را بسنده است اهتمام ورزی.

از این رو، ذهن و روان جوانان در عنفوان جوانی هنوز به شائبه‌های فکری و شبهات اعتقادی آغشته نگشته است و بنابراین در گرایش به حق‌مهیاترند و دریافت حقیقت برایشان آسان‌تر است.

به روایت دیگری توجه فرمایید که طی آن حضرت امام صادق (علیه السلام) به یکی از اصحاب خویش به نام احول سفارش می‌فرماید که:

«... عَلَيْكَ بِالْأَخْذِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ.» (حمیری، ۱۴۱۳ ق.، ص ۱۲۸)

جوانان را دریاب که آنان برای انجام هر کار شایسته از سرعت اقدام بیشتری برخوردارند.

نتایج نظرسنجی مؤسسه وین گالوپ اینترنشنال نیز نشان می‌دهد جوانان ۲۵ تا ۳۴ سال دین باورترین گروه سنی در جهان هستند. (افق حوزه، مورخ ۹۴/۲/۲۰۰۳). همچنین بر اساس این نظرسنجی ۶۳ درصد جمعیت جهان، خود را دیندار معرفی کرده‌اند. این نظرسنجی در شرایطی منتشر می‌شود که جدیدترین نظرسنجی مؤسسه^۳ PEW نشان می‌دهد جهان به طور کلی به سمت دین باورتر شدن پیش می‌رود.

(فروردین ۲۴، ۱۳۹۴، ۱۲۵۲ <http://iid.org.ir/p=>

بررسی سؤال دوم: ترغیب جوانان به کشف حقیقت

در پاسخ به سؤال دوم یادآوری این نکته مهم است که در مقام آموختن و آموزش و پرورش و پروراندن، درگیر ساختن فراگیر در امر یادگیری یکی از اصول خدشه‌ناپذیر آموزش و پرورش به شمار می‌رود. بدیهی است جوانان به دلیل تازگی ذهنی و نورسیدگی معرفتی غالباً گرایش به امور مشهود و واقعیت‌های محسوس و ملموس در وجودشان زنده‌تر و قوی‌تر است و متقابلاً در درک و تجزیه و تحلیل استدلال‌های عقلی محض نارسا تر و ضعیف‌ترند. بدین ترتیب، چنانچه تعلیم و تربیت آنان مستند به اموری شد که برایشان کاملاً ملموس و محسوس است پیام را سریع‌تر دریافت می‌دارند.

از این رو، نامه مقام معظم رهبری سعی دارد جوانان غربی را درگیر واقعیت‌های مشهود جاری و تاریخی جهان و عملکرد غرب کند تا با استناد به آنها ذهن‌ها را متوجه دریافت و فهم حقیقت نموده، جوانان را از لغزش‌های ناشی از فتنه‌های جاری و واقعی بر حذر دارد. بدیهی است انسان‌ها و به ویژه جوانان همواره دستخوش انواع و اشکال فتنه‌ها بوده و هستند و خواهند بود. بنابراین، گریزی از درگیر شدن با فتنه‌ها یکی پس از دیگری نیست. لکن می‌توان با تدابیر و برنامه‌ریزی‌های کارآمد و لازم از شر لغزش‌ها و لغزشگاه‌های ناشی از فتنه‌ها در امان ماند. ^۴ در این میان، جوانان غربی همواره در تیر رس مستقیم انواع فتنه‌هایی قرار دارند که بیم آن می‌رود آن چنان آنان را بلغزند که دیگر نتوانند سعادت‌مند شوند. چنانچه جوانان غربی توجه جدی نسبت به هشدار مقام معظم رهبری داشته باشند، بالطبع از آثار ویرانگر فتنه‌ها در امان خواهند ماند.



بررسی سؤال سوم:

آگاه سازی جوانان نسبت به ترفندهای غرب برای نابودی اسلام ناب

می‌دانیم امروزه بخش عظیمی از تبلیغات رسانه‌های غربی به تخریب چهره اسلام ناب محمدی اختصاص یافته است و این جزو طرح و برنامه‌های سیاستمداران غربی به شمار می‌رود. پیش از این نیز امام راحل به بیان این واقعیت دردناک پرداخته‌اند.^۵

رسانه‌های غربی با سرکوب ایران و هم‌پیمانان ایران همچون حزب الله لبنان، آشکارا از اسلام وهابی و تکفیری حمایت می‌کنند. یکی از ایراداتی که بر مقوله اسلام شناسی در الگو و برداشت مستشرقان وارد می‌شود این است که آنان اغلب با رویکرد باستان شناسانه به مطالعات اسلام پرداخته‌اند. از این رو، برداشت مستشرقین از اسلام نوعی گرایش یا نگرش «واپس گرایی تاریخی» را به مخاطبین القاء می‌نماید. رویکرد آنان به اسلام شناسی و یا در قلمرو گسترده‌تر به شرق شناسی این نگرش را در ذهن می‌پروراند که گویا عمر اسلام به سر رسیده و به اصطلاح تاریخ مصرفش گذشته است. این یکی از ایرادهای جدی ادوارد سعید^۶ به چنین مطالعات اسلامی است که توسط مستشرقین انجام پذیرفته است. (سعیدی، ۱۳۸۱، ص ۲۴، به نقل از: Said, Orientalism, ۱۹۷۸)

یکی از تلاش‌های جدی استعمارگران از آغاز استعمارگری تا کنون مصروف این بوده است تا ثابت کنند اسلام دین حکومت نیست و برای حکومت کردن نیامده است. آنان روش‌هایی را به کار می‌گرفتند تا به هر طریق به اهداف شوم خود علیه اسلام نایل گردند. از جمله این روش‌ها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

الف) روش قلع و قمع: در هر کجای جهان که دستشان به مسلمانان برسد و بتوانند به استعمار و استثمار آنان بپردازند، از مبارزه بی‌امان با آنان دریغ نخواهند ورزید. برخی از نگرش‌ها و اقدامات متجاوزانه غرب علیه اسلام و مسلمانان به شرح زیر است:

۱. مسلمانان را موجوداتی کثیف می‌دانند.
۲. مسلمانان را مستوجب گمراهی و نابودی می‌دانند.
۳. به مسلمانان بوسنی هرزگوین و فلسطین و میانمار و افغانستان و عراق و سوریه و لبنان و ایران حمله می‌برند تا زمین از لوث وجودشان پاک شود زیرا مسلمانان را خطرناکتر از هر افتی می‌دانند.
۴. تا امکان داشته باشد با ترفند جنگ‌های نیابتی، مسلمانان را به جان هم می‌اندازند و خودشان نظاره‌گرد و سودش را می‌برند. اکنون در سوریه و عراق و بحرین و یمن، فردا در سایر جوامع اسلامی.
۵. به بهانه ایجاد امنیت وارد خاک کشورهای اسلامی می‌شوند تا عملیات سرکوب را از نزدیک هدایت و کنترل کنند.
۶. مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی را مستوجب استعمار می‌دانند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند.

ب) روش دین زدایی از اسلام:

مفاد دسته‌ای از این ترفندها دین زدایی از اسلام است. از جمله به برداشت‌های سخیف زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. اسلام اساسا دین نیست. یک مسلک جاهلی و خرافی است. این برداشت ظالمانه به شیوه‌های گوناگون، از زیر سؤال بردن قرآن و پیامبر و ارزش‌ها تا هجمه گسترده به ساحت مقدسات اسلام، تا سوزاندن قرآن توسط کشیش متعصب و بی‌خردی چون تری جونز، به نمایش گذاشته شده است.^۷
۲. اسلام فرهنگ خشونت است، نوشته «برخورد تمدن‌ها» ساموئل هانتینگتون^۸ و پاره‌های دیگر از اظهارات نویسندگان غربی گواه روشنی بر این جهت گیری‌های دور از منطق و انصاف غربی‌ها می‌باشد. هانتینگتون در کتاب

خویش خط مشی آینده غرب را در راستای استقرار فرهنگ و حکومت لیبرال دموکراسی و البته در رویارویی با سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها از جمله برخورد غرب با اسلام تعیین کرده، اظهار می‌دارد مرزهای اسلام خونی است.^۹ وی اما نمی‌گوید چه کسی این مرزها را خونی ساخته و خونی نگه می‌دارد؟ جز قدرت‌های استعمارگر غربی به سرکردگی آمریکا این اراده و نیرنگ را دارند که مرزهای جهان اسلام را خونین کنند؟!

۳. دین برای صلح آمده است و نه برای جنگ. پس اسلام دین نیست. ترویج مسیحیت به عنوان دین صلح و یا تبلیغ بهائیت به عنوان آیین صلح تنها برای دین زدایی از اسلام است. این گونه موضع گیری‌ها در ذهن غربی‌ها جای خواهد گرفت به خصوص وقتی همه جا و همیشه گفته می‌شود که اسلام مظهر خشونت است.

ج) روش تبلیغ مسموم:

مفاد دسته‌ای دیگر از ترفندها علیه اسلام، دین بودن را از اسلام نفی نمی‌کند، اما به مراتب خطرناکتر از دین زدودن در اذهان جوامع غربی اثر می‌گذارد. از جمله:

۱. ترویج مضامینی از اسلام به مثابه یک دین که اسباب تمسخر غربی‌ها نسبت به اسلام و مسلمانان می‌شود.

استعمارگران به عوامل خود یاد می‌دهند که طوری از دین دم بزنند که برای پیروان آن دلزدگی ایجاد کند و آنان را از دیانت جدا کند.

۲. تبلیغات صوتی-تصویری نامطلوب و نامساعد و دست کاری شده، هجو آمیز و ستیزه‌جویانه از برنامه‌های اسلامی و رفتارهای مسلمانان از طریق رسانه‌های محلی و ملی به گستردگی رسانه‌ها.

ساخت و تولید و نشر انبوه و گسترده بازی‌های ویدئویی را می‌توان بر موارد فوق افزود. هر کدام از این بازی‌ها به نوبه خود از نقش چشمگیری در تخریب چهره اسلام ناب و نابودی اعتبار و وجهه مسلمانان برخوردار است. به عنوان نمونه، به بازی‌های ویدئویی نظیر بتل فیلد،^{۱۰} رزیدنت ایول^{۱۱} و سیمز^{۱۲} اشاره می‌شود که در برخی از برنامه‌های ویدئویی خود به اسلام ستیزی، دین زدایی، ایران هراسی و مبارزه با انقلاب اسلامی ایران دامن زده‌اند.

۳. تخریب دین و احکام دینی به بهانه تجزیه و تحلیل آنها آن هم با ژستی آزاد اندیشانه و محترمانه، مبارزه مؤدبانه و در عین حال مودبانه.

۴. تخریب چهره نام‌آوران مسلمان در فضایی به ظاهر علمی و آکادمیک ولی آکنده از فتنه.

۵. معرفی اسلام به عنوان دین کهنه پرستی و ارتجاع. از این منظر اسلام چون هرگز با لیبرالیسم هیچ سر سازشی نشان نمی‌دهد، پس دینی ارتجاعی و کهنه‌گرا می‌باشد. غربی‌ها روی بی بند و باری و به عبارتی، لیبرالیسم، اسم لیبرالیسم می‌گذارند و بی‌بند و باری را آزادی خواهی می‌نامند.

د) روش دین آفرینی:

دین آفرینی فرایند دیگری از اسلام ستیزی در کمک رسانی استعمارگران برای تولید و ترویج اسلام آمریکایی و فرقه‌های انحرافی برای مبارزه بی‌امان با اسلام ناب محمدی است. در این رابطه دشمنان به اقدامات زیر دست یافته‌اند:

۱. تولید اسلام آمریکایی: اسلام ارتجاع، اسلام رادیکال، اسلام رفاه طلبی، اسلام تجر، اسلام تساهل و تسامح، اسلام لیبرال، اسلام تسلیم زور، اسلام پادشاهی، اسلام خفت و حقارت، اسلام ترس، اسلام بی غیرتی، اسلام شرک، اسلام نفاق، اسلام تکفیری، اسلام قتل و غارت، و ...
۲. اختصاص بودجه‌های کلان برای ترویج و تثبیت اسلام آمریکایی.
۳. تبلیغ و ترویج گروه‌هایی که مروج اسلام آمریکایی هستند.
۴. حمایت ویژه و حساب شده از نهادهای غیر دولتی همسو با اسلام آمریکایی در دل جهان اسلام.

۵. حمایت خاص از تشکلات اسلامی راه اندازی شده در غرب به منظور جهت دادن به سمت جدایی مؤسسات و تشکلات از یکدیگر و فاصله گرفتن از اسلام ناب و تلاش برای تخریب مرموزانه هر یک توسط دیگری.
۶ مخدوش سازی چهره اسلام ناب محمدی.

بررسی سؤال چهارم: راه های پی بردن جوانان غربی به واقعیتها

باید یادآور شد که خوشبختانه منابع فراوان و مستندی در غرب وجود دارد که توسط نویسندگان و تاریخ نگاران و تحلیل گران غربی به نگارش درآمده است که مطالعه آنها برای جوانان غربی در راستای کشف و درک واقعیتها مفید و راهگشا می باشد. «تاریخ تمدن»^{۱۳} ویل دورانت،^{۱۴} «تاریخ تمدن»^{۱۵} هنری لوکاس،^{۱۶} کتاب «تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطا»^{۱۷} نوشته مونگمری وات^{۱۸} و کتاب «فرهنگی تمدن غرب»^{۱۹} اثر رابرت جی رینگر،^{۲۰} همچنین تحلیل های تحلیل گرانی چون نوام چامسکی^{۲۱} و... نمونه آثاری است که به زبان انگلیسی نوشته شده و به زبان های زنده دنیا ترجمه شده اند. جوانان غربی به ویژه قشر تحصیل کرده غرب با مراجعه به کتابخانه ها در دانشگاه ها و مجامع علمی غرب به این نمونه آثار و صدها اثر دیگر به آسانی دسترسی دارند. گرچه نویسندگان این آثار با نوعی چاشنی تعصب آمیز غربی اقدام به تولید و نشر چنین آثاری کرده اند، با این همه اما، در موارد فراوانی واقعیتها را آن گونه که رخ داده است بازگو نموده اند. به عنوان مثال، ویل دورانت هنگامی که در مورد نفوذ اسلام در غرب و فتح اندلس به دست مسلمانان می نویسد، اظهار می دارد:

«فاتحان با مردم بومی در نیکی و ملامت رفتار کردند؛ فقط اراضی آنان را که با آنها به مقاومت برخاسته بودند مصادره کردند. مالیات های تازه ای بیش از آنچه سابقا به وسیله پادشاهان ویزینگوت مقرر شده بود وضع نکردند، و مردم را در انجام مراسم دینیشان چنان آزاد گذاشتند که اسپانیا بندرت نظیر آن را به خود دیده بود.» (ویل دورانت، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۳۷۲).
و با مونگمری وات هنگامی که به نقش حیاتی اسلام در پیشرفت غرب اشاره می کند بیان می دارد:

«هنگامی که انسان تمام جنبه های درگیری اسلام و مسیحیت در قرون وسطا را در نظر بگیرد، این روشن خواهد بود که تأثیر اسلام بر جامعه مسیحیت بیش از آن است که معمولا شناسایی می شود. اسلام نه تنها در تولیدات مادی و اختراعات تکنولوژی اروپا شریک است و نه تنها اروپا را از نظر عقلانی در زمینه های علم و فلسفه برانگیخت، بلکه اروپا را واداشت تا تصویر جدیدی از خود به وجود آورد.» (عبدالمحمدی (مترجم)، ۱۳۷۸، ص ۱۴۳. رهنمایی، ۱۳۸۰، ص ۷۵).

ویل دورانت هنگامی که تاریخ جنگ های صلیبی را به تصویر می کشاند، از آن رویداد هولناک علیه مسلمانان چنین گزارش می دهد:

«چیزهای بدیعی از هرسو به چشم می خورد. گروهی از مسلمانان را سر از تن جدا کردند... گروهی دیگر را با تیر کشتند یا مجبور کردند که از برجها خود را به زیر افکنند، پاره های را چندین روز شکنجه دادند و آنگاه در آتش سوزانیدند. در کوچه ها توده هایی از کله و دست و پای کشته گان دیده می شد.» (ویل دورانت، ج ۴، ص ۹۲).

وی همچنین به نقل از نویسندگان معاصر جنگ های صلیبی روایت می کند که: «صلیبی ها با قساوت و بیرحمی تمام، زنان را به ضرب دشنه به قتل می رساندند، ساق پای کودکان شیرخوار را گرفته بزور آنها را از پستان مادرانشان جدا ساخته به بالای دیوارها پرتاب می کردند، یا با کوفتن آنها بر ستون ها گردنشان را می شکستند و چطور هفتاد هزار مسلمانی که در شهر مانده بودند به هلاکت رسیدند.» (همان).

نارسایی ها و چالش های پیش روی به اصطلاح تمدن غرب در هیچ دوره ای از تاریخ و از جمله در عصر حاضر قابل کتمان و یا انکار نمی باشد. در زمان معاصر، نویسندگانی همچون «رابرت جی رینگر» هنگامی که سوگندانه از فروپاشی تمدن غرب دم می زند می نویسد:

«به اولیای اطفال چنین آموخته اند که نباید در مسائل و مشکلات فرزندانشان دخالت کنند؛ به آنان آموخته اند ضرورتی ندارد که مسئولیتی در مورد فرزندانشان به عهده گیرند، چرا که دولت این مسئولیت را به عهده گرفته است. با آغاز اولین روز تحصیلی، هنگامی که در دبستان ها نخستین ناهار رایگان را به اطفال می دهند به آنان القا می کنند که باید چشمشان به دست دولت باشد نه به دست پدر و مادر، و برای حل مشکلاتشان پیش از آن که نیازی به اولیای خود داشته باشند به دولت نیازمندند.» (رابرت جی. رینگر، ۱۳۶۵، ص ۲۵)

بدین ترتیب، می توان جوانان غربی را به این منابع ارجاع داد و از آنان خواست دست کم برای فهم و درک بهتر اوضاع گذشته و حال و آتیه غرب به این دسته از نوشته ها به عنوان بخشی از منابع موجود مراجعه کنند.

بررسی سؤال پنجم: فرجام شناسی غرب

سنت الهی بر آن است که جهان را از لوث کفر و شرک و نفاق و ستم پاک کند و مستضعفان را وارث زمین گرداند. غرب از اشراف و کارکرد این سنت الهی مستثنی نمی باشد. سرانجام روزی خواهد رسید که سرتاسر جهان و از جمله غرب رو به هدایت و رستگاری گام بردارد. این امر البته با ظهور حجت بر حق الهی منجی عالم حضرت حجت بن الحسن المهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» به ظهور خواهد رسید. اما جهت نیل به این آرمان الهی، بشریت و از جمله جوامع غربی باید بیدار شوند. نامه مقام معظم رهبری یکی از عوامل و وسائلی است که به موازات سایر عوامل در بیداری جهان غرب به ویژه در بصیرت دهی به جوانان غربی بسیار مؤثر و راهگشا خواهد بود. این عوامل با تأییدات خداوندی و حول و قوه الهی دست در دست هم فرجام شایسته ای را برای جهان غرب رقم خواهند زد. سرانجام، غرب از عالم ماده به ماوراء ماده و از جهان آفریده شده به آفریدگار متعال و از آثار مشهود به پدیدآورنده این آثار و از تکثر گرایی به وحدت گرایی و از وحدت گرایی به توحید الهی و از توحید الهی به مقام بندگی سیر خواهد کرد و پیرو آن از مقام بندگی به عزت و سربلندی و فلاح و رستگاری نایل خواهد گشت.

بررسی سؤال ششم: نوید رویداد مهم و تعالی بخش

این نکته لازم است مورد توجه قرار گیرد که چنانچه تمهیدات لازم برای انتشار درست و به موقع نامه مقام معظم رهبری فراهم آید، از آنجا که آینده غرب در دست مخاطبان جوان نامه مزبور خواهد بود، با بیداری این جوانان می توان سرنوشت خوبی را برای غرب پیش بینی کرد که به دست با کفایت گروهی از جوانان غربی آگاه و با کفایت رقم خواهد خورد. اسلام هم پس از آنکه در مکه ظهور یافت، بیشتر این جوانان اهل بصیرت مکه و مدینه بودند که به آن گرویدند و در راه سربلندی آن از هیچ جهادی دریغ نوزیدند. این در حالی بود که سالمندان نه تنها کمتر به آن اقبال نشان دادند، بلکه مانع جوانانشان در تشریف به اسلام هم می شدند. (ر. ک. پورامینی، ۱۳۸۵)

نتیجه گیری

با نگاهی به نامه مقام معظم رهبری خطاب به جوانان اروپا و آمریکا، چهارده نکته و شش سؤال مهم مورد استنباط و استخراج قرار گرفت. آنچه



4. <http://www.battlefield.com/>
5. <http://www.ea.com/sims>
6. <http://www.jahannews.com>
7. <http://www.terror-victims.com/fa/index.php?Page=definition&UID=1342869>
8. <http://www.residentevil.net/en/>

پی‌نوشت‌ها:

۱. عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
2. Islam phobia.
۳. مرکز تحقیقات پیو (به انگلیسی: Pew Research Center) یک اندیشکده آمریکایی مستقر در واشینگتن دی. سی. است که به ارائه اطلاعات درباره مسائل، نگرش‌ها و روندهای شکل‌دهنده ایالات متحده و جهان می‌پردازد. رئیس سازمان از ژانویه ۲۰۱۳ ال‌ن موری، معاون مدیر سابق وال‌استریت ژورنال است که جایگزین اندرو کویت گردید. این مرکز بودجه‌اش را از تراست خیریه‌های پیو دریافت می‌کند. پروژه نگرش‌های جهانی پیو یک سری نظرسنجی‌ها و گزارش‌های افکار عمومی در سراسر دنیاست که هدف آن فهم نگرش‌های جهانی درباره موضوع‌های مختلف است. <http://fa.wikipedia.org/wiki>
۴. اشاره به روایتی از حضرت امام علی (علیه السلام) به نقل از نهج البلاغه، شریف رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۹۳ و روایتی از حضرت امام زین العابدین (علیه السلام)، ص ۱۳۶، ص ۲۶۲.
۵. اشاره به هشدار امام خمینی نسبت به فریبکاری‌های کارشناسان استعمار در خصوص تحریف اسلام، صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۵۲.

6. Edward Said,

۷. گزارشی از تری جونز (Terry Jones) این کشیش قرآن سوز کیست؟ تاریخ ۱۳۸۷/۰۶/۱۷

تری جونز و کلیسای وی سابقه طولانی در اسلام ستیزی دارند. جونز در سخنرانی‌ها و کتاب خود، اسلام را دینی شیطانی خوانده و با سخنانی تحریک آمیز خواستار اقدام مسیحیان برای نابودی اسلام شده است. کشیش کلیسای فلوریدا که افکار سیاسی افراطی دارد از سیاست‌های افراط‌گرایانه جمهوری خواهان و دولت آمریکا در زمان ریاست جمهوری جورج بوش، از جمله لشکر کشی به کشورهای اسلامی همانند عراق و افغانستان، حمایت جدی کرده و مروج جنگ‌های نوین صلیبی است. این کشیش آمریکایی همواره از این که اسلام بیش از یک و نیم میلیارد نفر پیرو دارد ناراحت بوده و به همین دلیل در توجیه اقدامش می‌گوید: "هدف از این اقدام و فعالیت‌های مشابه آن، این است که به مسلمانان فرصت دهیم از دین خود برگردند. برخی معتقدند که جونز علی‌رغم دیدگاه‌های افراطی که دارد ممکن است جهت جلب توجه، دست به این فراخوان زده باشد اما انگیزه وی هرچه که باشد پیامدهایش مثبت نخواهد بود.

<http://www.terror-victims.com/fa/index.php?Page=definition&UID=1342869>

۸. ساموئل هانتینگتون ۲۰۰۸-۱۹۲۷ (Huntington Samuel Phillips)

ساموئل هانتینگتون تمدن‌های زنده جهان را به هفت یا هشت تمدن بزرگ تقسیم بندی کرده است. خطوط گسل میان این تمدن‌ها را منشا درگیری‌های آینده می‌پندارد. این تمدن‌ها از دیدگاه وی عبارتند از:

- تمدن غربی
- تمدن اسلامی
- تمدن کنفوسیوس
- تمدن ژاپنی
- تمدن ارتدوکس
- تمدن آمریکای لاتین
- تمدن افریقایی

<http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php>

9. Islam has bloody borders. Cf. http://en.wikiquote.org/wiki/Samuel_P._Huntington
10. Battle Field. For details see: www.battlefield.com
11. Resident Evil. For details see: www.residentevil.net/en/
12. The Sims. For details see: www.ea.com/sims
13. Western Civilization.
14. Will Durant.
15. Henry Lucas.
16. The Influence of Islam in Medieval Europe.
17. William Montgomery Watt.
18. "How You Can Find Happiness During the Collapse of Western Civilization".
19. Rabert J. Ringer.
20. Noam Chomsky.

که بیان شد ضرورت و اهمیت فرایند ارسال پیام از یک سو و دریافت مناسب پیام توسط مخاطبان نامه را از سوی دیگر روشن می‌سازد. در این راستا، نامه مقام معظم رهبری هم از جنبه محتوایی و هم از جنبه ساختاری و فنی و از همه بالاتر، به لحاظ شأنیت بس والایی که در منظر جهانی برای شخص رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی و معنویت آسمانی و بصیرت الهی ایشان در نظر گرفته می‌شود، از جایگاه و ظرفیت فوق العاده برای ارسال و دریافت مناسب برخوردار است. بدین ترتیب، برای تحقق چنین منظور مهم باید تمامی ساز و کار لازم در ارسال و دریافت پیام را به شکل هر چه مناسب‌تر و مؤثرتر تدارک دید. در این صورت است که می‌توان نسبت به نامه به مثابه گفتمان روز جهان امیدوار بود. در غیر این صورت، این رسالت خطیر در برد کوتاه و متوسط رسانه‌ای و تبلیغی محدود خواهد شد و در نتیجه به اندازه‌ای که باید و شاید از نقش اثرگذار آن بهره‌برداری بایسته و شایسته به عمل نخواهد آمد. به علاوه، به منظور ارسال بهتر و مؤثرتر نامه، نکات زیر باید مورد توجه و ملاحظه قرار گیرد:

۱. تبیین دقیق و کلمه به کلمه و جمله به جمله نامه و مفاد آن با استناد به آیات قرآن و روایات معصومین؛
۲. تشکیل و راه اندازی ستاد پیگیری ارسال نامه با حضور کارشناسان توانمندی از داخل و با همراهی مبلغان و مروجان اسلام ناب در عرصه بین الملل و رایزنان فرهنگی سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در غرب؛
۳. تشکیل کارگروهی با حضور کارشناسان ویژه به منظور تبیین اندیشه مقام معظم رهبری تجلی یافته در کلمات و فرازها و جملات نامه؛
۴. تشکیل میزگردهای کارشناسانه جهت گفتمان سازی مفاد نامه در سطح بین الملل؛
۵. مصاحبه با کارشناسان روانشناسی تبلیغ برای کشف و استخراج راهکارهای بالا بردن میزان تأثیر گذاری منویات مقام معظم رهبری؛
۶. تدارک ساز و کار جهانی برای گفتمان سازی نامه در سطح جهان.

منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، چ دوم، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: نشر جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق.
۲. اسعدی مرتضی، مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان از آغاز تا شوروی دوم و تاتیکان (۱۹۶۵)، تهران: سمت، (۱۳۸۱)
۳. افق حوزه، مورخ ۹۴/۲/۲، سال سیزدهم، شماره ۴۱۳، به نقل از مؤسسه گفت و گوی ادیان.
۴. امام خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. امام علی بن الحسین (علیه السلام)، الصحیفه السجادیه، قم: الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۶. آیت الله خامنه‌ای، سید علی، نامه به عموم جوانان در اروپا و امریکای شمالی، ۱۳۹۳/۱/۱.
۷. آیت الله سبحانی، جعفر، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، قم: مشعر، ۱۳۸۸.
۸. پورامینی، محمد باقر، جوان در چشم و دل پیامبر، تهران: اندیشه جوان، ۱۳۸۵.
۹. جهان نیوز، "روشنفکری سیاه یک خبرگزاری و بی‌مهری به تشییع شهدا"، چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۴.
۱۰. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم، آل البیت، ۱۴۱۳ ق.
۱۱. رهنمایی سید احمد، غرب شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰
۱۲. زینگر، رابرت جی، فروپاشی تمدن غرب، ترجمه احمد تقی پور، تهران: رسام، ۱۳۶۵.
۱۳. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، چ اول، تصحیح صبحی صالح، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۴.
۱۴. طبری محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، تهران: سروش، ۱۳۷۸.
۱۵. هفته نامه افق حوزه، مورخ ۹۴/۲/۲، سال سیزدهم، شماره ۴۱۳، به نقل از مؤسسه گفت و گوی ادیان.
16. Ringer, Robert J. , *How You Can Find Happiness During the Collapse of Western Civilization*, (USA: Harpercollins, First edition, 1983.

پایگاه‌های اطلاع رسانی در شبکه جهانی:

1. <http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php>
2. http://en.wikiquote.org/wiki/Samuel_P._Huntington
3. <http://iid.org.ir/?p=1252>